

آثار تکاثر در سوره کهف

الهام آتشی^۱

چکیده

تکاثر به معنای تلاش برای افزایش و انباشت دارایی‌ها، قدرت، مقام، یا هر نوع منابع مورد توجه در یک جامعه است. این واژه هم در علوم طبیعی برای توضیح تولیدمثل و گسترش جمعیت به کار می‌رود، و هم در علوم انسانی و دینی، برای اشاره به میل پایان‌ناپذیر انسان به فزون‌خواهی. در دیدگاه قرآن، به‌ویژه در سوره کهف پرداختن به این موضوع، به منظور هشدار دادن به انسان‌ها در مورد خطرات غفلت از یاد خدا و تمرکز بیش از حد بر امور دنیوی است، و یادآوری می‌کند که ثروت و دارایی‌ها تنها ابزاری برای رسیدن به سعادت اخروی هستند، نه هدف نهایی. مقاله حاضر با هدف تبیین آثار تکاثر در سوره کهف به روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. مهمترین یافته‌های تحقیق حاضر عبارتند از: تکاثر و مادی‌گرایی بی‌رویه، که در سوره کهف به آن اشاره شده، می‌تواند آثار منفی اخروی داشته باشد. این آثار شامل انکار معاد و کفرورزی است. به عبارت دیگر، غرق شدن در جمع‌آوری ثروت و تفاخر به آن، انسان را از یاد خدا و مسئولیت‌های دینی غافل کرده و در نتیجه، منجر به انکار حیات پس از مرگ و رویگردانی از ایمان می‌شود. بلکه پیامدهای ناگواری نیز در زندگی دنیوی به همراه دارد. این آثار شامل بروز غرور و خودبزرگ‌بینی در فرد و محرومیت از امداد و نابودی اموال است.

کلیدواژه: آثار تکاثر، افزون‌طلب، ثروت، سوره کهف.

^۱. دانش آموخته سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت زینب(سلام الله علیها).

مقدمه

تکاثّر در واقع افزون طلبی، برتری جویی و پیشی گرفتن از دیگران در جمع مال و کثرت فرزندان و دیگر تعلقات دنیوی است که این حس موجود در آدمی حجم وسیعی از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. این حس سیری ناپذیر در انسان، اگر در مجرای صحیح قرار نگیرد و به شایستگی کنترل نشود؛ علاوه بر اینکه سرمایه عمر را تباه می کند و درد و رنج های فراوان با خود دارد، سرانجام سخت و ناگواری را برای آدمی رقم می زند. تکاثّر و افزون خواهی و برتری جستن از دیگران، یکی از بزرگترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی توجهی به دین و دیانت و سر پیچی از انجام اوامر و پرهیز از نواهی الهی می باشد.

پرداختن به مفهوم «تکاثّر» در قرآن کریم از منظر علمی دارای اهمیت فراوانی است، زیرا این مفهوم فراتر از معنای لغوی خود، به تعادل و تناسب در تمامی ابعاد زندگی اشاره دارد. از یک سو، قرآن کریم با تأکید بر شکرگزاری در برابر نعمت ها، افزایش و تکاثّر آن ها را به عنوان یک پاداش الهی مطرح می کند، که این امر می تواند در علوم مختلف، از جمله اقتصاد و مدیریت منابع، مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، قرآن با انتقاد از تکاثّر در ثروت و دارایی ها که منجر به غفلت از یاد خدا و مسئولیت های اجتماعی می شود، به اهمیت حفظ تعادل و جلوگیری از زیاده روی در امور مادی تأکید می کند.

قرآن کریم در سوره کهف به داستان اصحاب کهف و صاحب دو باغ، به موضوع تکاثّر می پردازند. داستان اصحاب کهف، که به دور از مظاهر دنیوی و تکاثّر، به غاری پناه می برند و ایمان خود را حفظ می کنند، نشان می دهد که ارزش های معنوی و اخروی بر ارزش های مادی و دنیوی ارجحیت دارند. از سوی دیگر، داستان صاحب دو باغ، که به دلیل ثروت و دارایی خود مغرور می شود و نعمت های خدا را فراموش می کند، هشدار می دهد که در مورد خطرات تکاثّر و زیاده روی در امور دنیوی. در این داستان، صاحب باغ به دلیل عدم شکرگزاری و اتکا به ثروت خود، در نهایت دارایی هایش را از دست می دهد. در واقع، سوره کهف با طرح این داستان ها، به اهمیت تعادل بین دنیا و آخرت، و پرهیز از تکاثّر و زیاده روی در امور دنیوی تأکید می کند، و به مخاطبان خود یادآوری می کند که ارزش های معنوی و اخلاقی باید در اولویت قرار گیرند.

مقاله حاضر با هدف تبیین آثار تکاثر در سوره کهف پاسخگوی سوالات زیر است:

- آثار اخروی تکاثر در سوره کهف چیست؟

- آثار دنیوی تکاثر در سوره کهف چیست؟

در زمینه تکاثر در ضمن کتب تفسیری در نوشته‌های متعددی به موضوع تکاثر پرداخته شده است از جمله:

مقاله «تکاثر، عوامل، آثار و پیامدها در آیات قرآنی»؛ نوشته محمد رضوی که در سال (۱۳۹۱) به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله سعی بر آن دارد که ضمن ارائه تصویری روشن از این موضوع، عوامل بروز و آثار و پیامدهای این رفتار آدمی را بررسی کند.

همچنین مقاله «عوامل بازدارنده ابتلا به تکاثر و اتراف»؛ علیرضا رشیدی و محمد رشیدی است که در سال (۱۳۹۱) به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله با تعمق در آیات قرآن کریم و روایات ارزنده معصومین (علیهم السلام) درصدد تثبیت این واقعیت‌اند که معیار در ارزیابی کرامت و شرافت آدمی وابسته به بی‌نیازی مالی و ریخت و پاش اترافی و افراطی نخواهد بود، بی‌نیازی آن است که از توجه به خدای متعال و از دانستن قرآن و عمل کردن به آن و از عقل، علم، یقین و از عبادت خداوند آفریدگار و از تقوادراری و از زبان ذاکر و قلب شاکر و از بی‌نیازی روحی و نظایر این‌ها به دست می‌آید.

۱- مفهوم

«تکاثر» از ماده «کثرت» به معنای تفاخر، مباهات و فخرفروشی بر یکدیگر است.^۱ در استعمالات روزمره فارسی «تکاثر» به معنای ثروت‌اندوزی استعمال می‌شود.^۲ در اصطلاح قرآنی آن را به دو

^۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۷۰.

^۲. راغب اصفهانی، المفردات، ج ۱، ص ۷۰۳.

معنی گرفته‌اند: اول به معنای افتخار به کثرت مناقب و اولاد و اموال و دوم به معنای رقابت در کثرت اولاد و اموال و مناقب.^۱

۲- آثار اخروی تکاثر در سوره کهف

داستان اصحاب کهف، به مثابه روایتی از دوری‌گزینی از جامعه‌ای غرق در تکاثر و مادی‌گرایی، نشان‌دهنده ترجیح ارزش‌های اخروی بر مظاهر دنیوی است. سوره کهف از طریق روایت‌های خود، به نقد ضمنی مفهوم تکاثر می‌پردازد و به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه تمرکز صرف بر جمع‌آوری ثروت و دارایی می‌تواند انسان را از اهداف اصلی زندگی دور کند. قرآن کریم در سوره کهف به آثار اخروی تکاثر پرداخته است از جمله:

۲-۱- انکار معاد

«معاد» مصدر میمی و اسم زمان یا اسم مکان از ماده «عود» به معنای بازگشت است^۲ یا هر چه به آن رجوع شود یا مصدر میمی به معنای بازگشتن است.^۳ دلیل اصلی سرسختی‌های معاندان و منکران عالم غیب و حیات پس از مرگ، اباحه‌گری آنان است. آنها در بند حاکمیت هواهای نفسانی، دچار مسؤولیت‌گریزی هستند. به عبارت دیگر انسانی که می‌خواهد قید بندگی و اطاعت از فرمان‌های الهی را پاره کند و هوای نفس خویش را آزاد گذارد؛ برای آنکه گرفتار تعارض درونی نشود، در ابتدا به انکار معاد و رستاخیز می‌پردازد تا از درون، خود را آزاد پنداشته و قیدی در برابر خود نبیند. آن گاه به معارضه با هنجارهای دینی می‌پردازد.^۴

۱. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۹

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۹۴.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۸۱.

۴. طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۱۱۵.

امام خمینی معاد را در اصطلاح فلسفی و کلامی رجوع به نشئه دیگر، فوق عالم طبیعت می‌داند^۱ و در اصطلاح عرفانی، معاد رجوع مظاهر به حق تعالی می‌باشد.^۲ امام خمینی معاد را ضرورت همه ادیان می‌داند که برهان بر آن قائم است و آن را از اصول ایمان و فطرت بشری می‌شمارد.^۳

در قرآن کریم، انکار معاد و مفهوم تکاثر ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. کسانی که به معاد و حسابرسی اعمال در قیامت باور ندارند، معمولاً انگیزه‌ی اصلی‌شان لذت‌جویی بی‌قید و شرط از دنیا و جمع‌آوری هرچه بیشتر مال و مقام است. این گروه، با انکار حیات پس از مرگ و مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال، خود را از قیدوبندهای اخلاقی و معنوی رها می‌بینند و به تکاثر (افزایش بی‌رویه ثروت و تفاخر به آن) روی می‌آورند. قرآن کریم این رویکرد را به شدت مورد انتقاد قرار داده و می‌فرماید:

«وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا* وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا*»^۴ و برای او میوه فراوان بود. پس به رفیقش -در حالی که با او گفت و گو می‌کرد- گفت: «مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم.» و گمان نمی‌کنم که رستاخیز بر پا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعاً بهتر از این را در بازگشت، خواهم یافت.

غرور، فخر فروشی و سرکشی در برابر خدا، ستم با خویشستن است؛ البته ممکن است «ستم به خویشستن» اشاره به شرک باشد، غوطه‌ور شدن در دنیا و غرور و سرکشی، انسان را به انکار قیامت سوق می‌دهد. آری؛ انسان‌های مغرور و سرکش قیامت را انکار می‌کنند تا راه گناه و طغیان را جلوی خود بکشایند.^۵

۱. خمینی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، ص ۵۸۹.

۲. خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۸.

۳. خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۲۸.

۴. کهف: ۳۴ و ۳۶.

۵. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

نشد. پشیمانی «فطرس» و تمنای او مبنی بر عدم شرک، هرچند ممکن است به دلیل از دست دادن مال دنیوی باشد، اما نکته‌ی اساسی را برجسته می‌کند: اتکای ناپایدار به ثروت مادی، بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی و معنوی، همواره در معرض نابودی قرار دارد و در نهایت، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.^۱

^۱. شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۸، ص ۵۸ و ۵۹.

نتایج

نتایج تحقیق حاضر با عنوان «آثار تکاثر در سوره کهف» عبارتند از:

تکاثر، به معنای تلاش برای افزایش ثروت و دارایی به طور مداوم، می‌تواند انسان را به شدت درگیر امور دنیوی کند. این درگیری باعث می‌شود فرد از اهداف اصلی زندگی، یعنی قرب الهی و آمادگی برای آخرت، غافل شود. سوره کهف با داستان اصحاب کهف، به انسان یادآوری می‌کند که ارزش‌های معنوی و اخروی تکاثر بسیار مهم‌تر از مظاهر دنیوی هستند که عبارتند از:

-انکار معاد: (روز قیامت و حسابرسی اعمال) باعث می‌شود انسان خود را در برابر هیچ قدرتی مسئول نداند. این باور غلط، فرد را به سمت لذت‌جویی بی‌قید و شرط و جمع‌آوری هرچه بیشتر مال و مقام سوق می‌دهد. در سوره کهف، فردی که به او نعمت فراوان داده شده، با غرور به دوست خود فخرفروشی می‌کند و حتی احتمال وقوع قیامت را نیز انکار می‌کند. این نشان می‌دهد که تکاثر می‌تواند انسان را به انکار معاد و مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال خود برساند.

-کفر: کافر می‌تواند منجر به کفر (ناسپاسی و نادیده گرفتن نعمت‌های الهی) شود. وقتی انسان تمام تمرکز خود را بر افزایش ثروت و دارایی قرار می‌دهد، ممکن است از یاد خدا و شکرگزاری از نعمت‌های او غافل شود. در سوره کهف، فردی که به او نعمت داده شده، به جای شکرگزاری از خدا، به ثروت و دارایی خود مغرور می‌شود و حتی به دوست خود می‌گوید که ثروتش از او بیشتر است. این نشان می‌دهد که تکاثر می‌تواند انسان را به کفر و ناسپاسی سوق دهد.

آثار اخروی تکاثر در سوره کهف عبارتند از:

-غرور: ثروت و دارایی بیش از حد نیاز، می‌تواند فرد را دچار غرور و خودبزرگ‌بینی کند. این حالت زمانی رخ می‌دهد که فرد، ثروت و دارایی خود را نشانه‌ای از برتری و کمال خود می‌داند و خود را از دیگران بالاتر می‌بیند. صاحب دو باغ که ثروت فراوانی داشت، به دوست خود فخرفروشی می‌کند و می‌گوید که مال و نفراش از او بیشتر است. این نشان می‌دهد که تکاثر می‌تواند فرد را به غرور و تکبر سوق دهد.

-محروریت از امداد الهی: تکاثر می‌تواند فرد را از یاد خدا و نیاز به امدادهای الهی غافل کند. زمانی که فرد تمام تمرکز خود را بر جمع‌آوری ثروت و دارایی قرار می‌دهد، ممکن است به جای توکل بر خدا و درخواست یاری از او، به خود و دارایی‌هایش تکیه کند. فرد ثروتمند به ثروت و دارایی خود مغرور است و گمان می‌کند که این ثروت هرگز از بین نخواهد رفت. او به خدا توکل نمی‌کند و از او یاری نمی‌خواهد.

-نابودی اموال: ثروت و دارایی، به عنوان ابزاری برای قوام جامعه و رشد و تعالی انسان، دارای ارزش و اهمیت است. با این حال، تمرکز بیش از حد بر تکاثر اموال و ارزش‌گذاری مطلق آن، می‌تواند منجر به غفلت از اصول اخلاقی و معنوی شود. این غفلت، در نهایت، به نابودی ثروت و دارایی منجر می‌شود، زیرا اتکای صرف به مادیات، بدون توجه به عوامل معنوی و اخلاقی، ناپایدار است. داستان «فطرس» در قرآن، نمونه‌ای از این واقعیت است که نشان می‌دهد ثروت‌اندوزی بدون توجه به ارزش‌های الهی و شرک‌ورزی، سرانجامی جز حسرت و پشیمانی نخواهد داشت. بنابراین، یک رویکرد متعادل به ثروت، که در آن ارزش‌های معنوی و اخلاقی در کنار تلاش برای کسب مال حلال قرار گیرند، می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی انسان منجر شود.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابن فارس، ابوالحسن، معجم مقاییس اللغة، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، سال ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۳. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۴. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، تهران: مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۷. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳ ه.ش.
- ۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹ ه.ش.
- ۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۱. طوسی، محمدبن حسن، النهایه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ه.ش.
- ۱۲. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، قزوین: انتشارات طه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۳. قرشی بنایی، علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۴. کاشانی، محسن؛ **راه روشن**، مترجم عبدالعلی صاحبی، مشهد: استان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران: صدرا، چاپ بیستم، ۱۳۹۵ ه.ش.
۱۶. مغنیه، محمد جواد، **ترجمه تفسیر کاشف**، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۷. ناصحی، محمد حسن، **امدادهای غیبی از نگاه قرآن**، تهران: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۸. همدانی، آقا رضا، **مصباح الفقیه**، تهران: آوای منجی، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه.ش.